یادداشت

شوک دوباره از بهارستان؛ قانون‌گذاری علیه نیمی از جامعه!

میناامام‌ویردی

در یک سال گذشته، دو تجربه تلخ در حافظه جمعی زنان ایران از نمایندگان مجلس دوازدهم ثبت شده است: لایحه حجاب و عفاف و اکنون طرح‌های محدودکننده درباره مهریه و حقوق مالی زنان. اولی با فشار افکار عمومی و ابلاغ‌نکردن رئیس‌جمهور متوقف است، اما دومی همان الگوی قدیمی است، یعنی قانون‌گذاری از بالا به پایین، بدون گفت‌وگو با ذی‌نفعان اصلی یعنی زنان.

این روند، در کنار تبعیض‌های تثبیت‌شده‌ای که سال‌هاست اصلاح نشده، تصویر روشن‌تری از بی‌توجهی ساختاری به حقوق زنان ارائه می‌دهد. بدون آنکه کوچک‌ترین اصلاحی در حقوق بنیادی زنان انجام شود، تنها ابزار دفاعی و آخرین اهرم قدرت آنان در یک ساختار نابرابر (زندگی مشترک) حذف می‌شود.

زنان سال‌هاست خواسته‌های مشخص و حداقلی خود را تکرار می‌کنند: حق حضانت برابر، حق طلاق، حق خروج از کشور، سهم ارث برابر و امنیت حقوقی در زندگی مشترک.

اما هیچ‌یک از این مطالبات حتی به مرحله بررسی جدی نرسیده است. درواقع به جای آنکه کاستی‌ها و تبعیض‌های ریشه‌ای اصلاح شود، تنها امکان چانه‌زنی و دفاع زن در یک رابطه حقوقی نابرابر محدود می‌شود؛ اقدامی که نه عدالت را تقویت می‌کند و نه خانواده را، بلکه فقط رابطه زنان با قانون را آسیب‌زده و اعتماد آنان به نهادهای رسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سؤال مهم اینجاست: چرا نمایندگانی که باید زندگی زنان را آسان‌تر کنند، پیوسته در مسیر سخت‌ترکردن آن حرکت می‌کنند؟

زنان امروز نه‌فقط سوژه سیاست‌گذاری، بلکه کنشگر اجتماعی‌اند.

در چنین جامعه‌ای تصویب قوانین تک‌بعدی درباره زنان از حجاب گرفته تا مهریه به معنای نادیده‌گرفتن بیش از ۴۰ میلیون نفر شهروند است.

هر قانونی برای زنان بدون شنیدن صدای آنها نوشته شود، شکاف اعتماد میان زنان و دولت را عمیق‌تر می‌کند. چنین سیاست‌هایی، در نهایت نه خانواده را تقویت می‌کند و نه بحران‌ها را مهار.

واقعیت این است که زنان امروز با آگاهی و استقلال اقتصادی بیشتر، حاضر نیستند وارد رابطه‌ای شوند که در آن قدرت، قانون و اختیار به نفع یک طرف تنظیم شده باشد. این قوانین جدید اساسا انگیزه زنان برای ورود به ازدواج را کاهش می‌دهد.

در جامعه‌ای که دولت مدام از «تسهیل ازدواج» سخن می‌گوید، تصویب قوانینی که ریسک حقوقی و زندگی زنان را بالا می‌برد، تناقضی آشکار و زیان‌بار است.

این طرح‌ها نه مسئله ازدواج را حل می‌کند و نه به امنیت خانواده کمکی می‌رساند؛ برعکس، زنان مستقل و تحصیل‌کرده را از قراردادی که نامش «زندگی مشترک» است، دور می‌کند، به عبارتی دیگر زندگی مشترکی که در عمل هیچ امر مشترک و برابری در آن دیده نمی‌شود و از ابتدا بر نابرابری حقوقی بنا شده، نمی‌تواند محل شکل‌گیری رابطه‌ای برابر و پایدار باشد.

از همه مهم‌تر زنان طبقات ضعیف‌تر را نیز در چرخه‌ای از زندگی نابرابر گرفتار می‌کنند؛ چرخه‌ای که پیامدهای طبیعی آن افزایش خشونت خانگی، مرگ‌های ناشی از خشونت، خودکشی و فرسایش روانی است. زندگی مشترک، فقط زمانی معنا دارد که قانون، حقوق و کرامت دو طرف برابر باشد.

پرسش نهایی از نمایندگان محترم مردم در مجلس این است: چگونه می‌خواهید زنان را به ازدواج ترغیب کنید. وقتی قانونی می‌نویسید، نخستین پیامش به زنان این است؛ شما کمتر از آن چیزی هستید که باید باشید!

تا زمانی که مجلس به جای شنیدن مطالبات زنان، برای کنترل آنها قانون می‌نویسد، نتیجه کاملا مشخص است: رکود ازدواج، افزایش بی‌اعتمادی و دورشدن زنان از نهادی که باید بر پایه اختیار و امنیت شکل بگیرد و افزایش خشونت‌های خانگی و مرگ زنان در گروه‌های ضعیف اقتصادی.

تنظیمات حقوقی «بانک مرکزی» (به‌عنوان ناظر مستقل) و رفع تعارض منافع با دولت

علیرضا دقیقی
وکیل پایه یک دادگستری

بانک مرکزی در تئوری باید مسئول سیاست‌گذاری پولی مستقل باشد، یعنی تمرکز بر کنترل تورم، ثبات نرخ ارز و نظارت بر بانک‌ها بدون دخالت‌های کوتاه‌مدت سیاسی. اما در ایران، می‌توان بر این باور بود که بانک مرکزی اغلب به‌عنوان «قلک دولت» عمل می‌کند؛ یعنی برای پوشش کسری بودجه دولت، مجبور به چاپ پول، خرید اوراق بدهی یا تأمین مالی پروژه‌های دولتی می‌شود. این وابستگی (که به آن «سلطه مالی دولت» می‌گویند) استقلال عملی بانک مرکزی را تضعیف می‌کند. نتیجه؟ بانک مرکزی به جای اولویت‌دادن به ثبات اقتصادی، به ابزار اجرای سیاست‌های مالی دولت تبدیل می‌شود. برای مثال، وقتی دولت کسری بودجه مزمن دارد (مانند سال‌های اخیر که بیش از ۴۰ درصد بودجه از منابع ناپایدار تأمین می‌شود)، بانک مرکزی ناچار به خلق پول بدون پشتوانه می‌شود که مستقیما به تورم دامن می‌زند. در کشورهای موفق مانند آلمان یا کانادا، استقلال بانک مرکزی (مثل بانک مرکزی اروپا) اجازه می‌دهد سیاست‌های پولی بدون فشارهای سیاسی اجرا شود که منجر به تورم پایین (زیر دو درصد) می‌شود. اما در ایران، نبود استقلال باعث می‌شود بانک مرکزی نتواند نرخ بهره را به طور مؤثر تنظیم کند یا بانک‌های ناتراز را تنبیه کند، چون اغلب این بانک‌ها وابسته به نهادهای دولتی یا خصولتی هستند.

تأثیر بر ناترازی بانکی، تورم و بی‌اعتمادی

ناترازی بانکی: وقتی بانک مرکزی استقلال ندارد، نمی‌تواند بانک‌ها را به رعایت نسبت‌های ذخیره قانونی یا جلوگیری از وام‌دهی بی‌رویه مجبور کند. نتیجه؟ بانک‌ها بیش از منابع‌شان وام می‌دهند (ناترازی دارایی-بدهی) که منجر به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی و خلق پول جدید می‌شود. در ایران، این ناترازی به بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و یکی از عوامل اصلی تورم است. مثلا اعطای تسهیلات به شرکت‌های وابسته بدون ارزیابی کارشناسی (رانت سازمان‌یافته) ترازنامه بانک‌ها را نابود می‌کند.

تورم مزمن: تورم در ایران بیش از ۴۰ درصد است و ریشه‌اش در همین وابستگی است. مطالعات نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی تأثیر منفی معنادار بر تورم دارد؛ یعنی هرچه استقلال بیشتر، تورم کمتر. بدون استقلال، سیاست‌های پولی تابع بودجه دولت می‌شود که منجر به چاپ پول و افزایش نقدینگی (بیش از ۳۰ درصد سالانه) می‌شود. آرژانتین مثال خوبی است: با افزایش استقلال بانک مرکزی و کنترل کسری بودجه، تورم‌شان از ۲۷۰ درصد به ۴۵ درصد کاهش یافت؛ راهی که ایران هم می‌تواند برود، اما نیاز به اصلاح ساختاری دارد.

بی‌اعتمادی عمومی: وقتی مردم می‌بینند بانک مرکزی نمی‌تواند تورم را کنترل یا بانک‌ها را نظارت کند، اعتماد به نظام بانکی از بین می‌رود. این منجر به هجوم به بازارهای موازی (مثل دلار یا طلا) می‌شود که خودش تورم را تشدید می‌کند. در ایران، این چرخه هر روز چهره تازه‌ای پیدا می‌کند، مانند افزایش نرخ ارز یا بحران‌های بانکی اخیر.

مثال‌های جهانی با تمرکز حقوقی

استقلال بانک مرکزی در سطح جهانی عمدتا از طریق قوانین ملی یا معاهدات بین‌المللی تضمین می‌شود که جنبه‌های کلیدی مانند استقلال هدف (goal independence)، استقلال ابزار (instrument independence) و استقلال شخصی (personal independence) را پوشش می‌دهد. اینها از دخالت دولت در تصمیم‌گیری‌های پولی جلوگیری می‌کنند و مسئولیت‌پذیری را با گزارش‌دهی منظم به پارلمان متعادل می‌کنند.

۱. ایالات متحده آمریکا: قانون فدرال رزرو (Federal Reserve Act - ۱۹۱۳ با اصلاحات بعدی) این قانون پایه حقوقی استقلال فدرال رزرو را تشکیل می‌دهد. ماده ۲ قانون، هدف دوگانه (کنترل تورم و اشتغال کامل) را تعریف می‌کند، اما استقلال ابزار را تضمین می‌کند؛ یعنی شورای مدیران (Board of Governors) بدون تأیید دولت نرخ بهره را تنظیم می‌کنند.

جنبه حقوقی کلیدی: ممنوعیت وام‌دهی مستقیم به دولت فدرال (ماده ۱۳) که سلطه مالی را محدود می‌کند. در پرونده‌های قضائی مانند بانک مرکزی علیه Peterson (۲۰۱۶)، دیوان عالی آمریکا بر جدایی قوا تأکید کرد و قوانین را برای جلوگیری از مداخله سیاسی تقویت کرد.

نتیجه: فدرال رزرو می‌تواند بدون فشار بودجه‌ای عمل کند، که به ثبات بانکی (نسبت ذخیره قانونی ثابت حدود ۱۰ درصد) کمک کرده است.

۲. اتحادیه اروپا: معاهده ماستریخت (Maastricht Treaty, ۱۹۹۲) و اساسنامه ECB اساسنامه بانک مرکزی اروپا (ECB Statute, Article ۱۳۰) صریحا استقلال را الزامی می‌کند: «نه ECB و نه بانک‌های ملی، در تصمیم‌گیری‌های پولی تحت تأثیر دستورات یا توصیه‌های دولت‌ها یا نهادهای دیگر قرار نمی‌گیرند». این چارچوب حقوقی، استقلال هدف (هدف تورم دو درصد) و شخصی (برکنارنشدن مدیران بدون دلیل قانونی) را تضمین می‌کند. در بحران بدهی ۲۰۱۰، دادگاه عدالت اروپا (CJEU) در پرونده Pringle v. Ireland (۲۰۱۲) بر حفظ استقلال ECB حکم داد که از ناترازی بانکی (مانند بحران یونان) جلوگیری کرد. این مدل، نظارت حقوقی بر بانک‌ها را با ابزارهایی مانند Single Supervisory Mechanism (SSM) ترکیب کرده است.

۳. ژاپن: قانون بانک ژاپن (Bank of Japan Act, ۱۹۹۷) این قانون که در پاسخ به تورم دهه ۱۹۸۰ تصویب شد، استقلال عملی را از طریق ماده ۲ (هدف ثبات قیمت) و ماده ۳ (ممنوعیت تأمین مالی دولت بدون مجوز پارلمان) تضمین می‌کند.

جنبه حقوقی: مدیران برای پنج سال منصوب می‌شوند و برکناری‌شان تنها با رأی دوسوم پارلمان ممکن است. در اصلاحات ۲۰۱۳، قانون هدف‌گذاری تورم را الزامی کرد که به کاهش ناترازی (رشد نقدینگی کنترل‌شده) کمک کرد. این چارچوب، الگویی برای کشورهای آسیایی است و در گزارش IMF (۲۰۲۴) به‌عنوان نمونه موفق استقلال حقوقی برجسته شده است. این مثال‌ها نشان می‌دهند که چارچوب‌های حقوقی قوی، نه‌تنها تورم را کنترل می‌کنند، بلکه ناترازی بانکی را با الزام به نسبت‌های ذخیره قانونی مستقل (مانند ۱-۱۰ درصد در ECB) کاهش می‌دهند.

آمار دقیق: همبستگی حقوقی استقلال و تورم و ناترازی

مطالعات تجربی، تأثیر حقوقی استقلال را با شاخص‌هایی مانند Cukierman, Webb, and Neyapti (CWN Index) - ۱۹۹۲ اندازه‌گیری می‌کنند که جنبه‌های قانونی (مانند مدت ریاست بانک مرکزی و ممنوعیت وام به دولت) را امتیازدهی می‌کند (از صفر تا یک، که یک حداکثر استقلال است).

● **همبستگی کلی:** مطالعه Alesina و Summers (۱۹۹۳) بر ۱۸ کشور پیشرفته (۱۹۵۰-۱۹۸۹) نشان داد همبستگی منفی نزدیک به کامل (۰.۹-) بین استقلال حقوقی و تورم متوسط؛ کشورهایی با امتیاز استقلال بالای ۰.۷ (مانند آلمان، امتیاز ۰.۸۵) تورم متوسط ۲.۵ درصد داشتند، درحالی‌که کشورهای با استقلال پایین (مانند ایتالیا پیش از ۱۹۸۱، امتیاز ۰.۳) تورم ۱۲ درصد را تجربه کردند.

● **کشورهای در حال توسعه:** تحقیق Bodea و Hicks (۲۰۱۵) بر صد کشور (۱۹۸۰-۲۰۱۰) نشان داد هر ۰.۱ افزایش در شاخص استقلال حقوقی، تورم را یک تا شش درصد کاهش می‌دهد. مثلا در آمریکای لاتین، پس از اصلاحات حقوقی (مانند قانون استقلال بانک برزیل ۱۹۹۷)، تورم از ۲۰۰ درصد (۱۹۹۰) به پنج درصد (۲۰۲۰) رسید.

● **تأثیر بر ناترازی و پایداری تورم:** گزارش IMF (۲۰۲۴) بر ۱۵۰ کشور (۲۰۰۰-۲۰۲۳) حاکی است استقلال حقوقی بالاتر، نوسان تورم را ۳۰ درصد کاهش می‌دهد و ناترازی بانکی (نسبت بدهی به دارایی) را ۱۵ درصد پایین می‌آورد. در ژاپن، پس از قانون ۱۹۹۷، پایداری تورم (persistence) از ۰.۸ به ۰.۴ رسید که به معنای بازگشت سریع‌تر به ثبات است.

● **داده‌های اخیر (۲۰۲۵):** مطالعه CEPR (۲۰۲۵) بر ۵۰ کشور پیشرفته نشان داد کشورهایی با چارچوب حقوقی قوی (امتیاز >۰.۸، مانند ECB) تورم ۱.۵ درصد و بی‌اعتمادی بانکی (شاخص اعتماد عمومی) زیر ۱۰ درصد دارند، در مقابل کشورهای با ضعف حقوقی (مانند ترکیه، امتیاز ۰.۴) تورم ۵۰+ درصد و ناترازی ۲۰+ درصد.

مقایسه با ایران: چالش‌های حقوقی

در ایران، قانون پولی و بانکی (مصوب ۱۳۵۱ با اصلاحات) استقلال را در ماده ۲۷ (هدف ثبات ارزی) ذکر می‌کند، اما وابستگی به دولت (مانند تأمین کسری بودجه از طریق اوراق) آن را تضعیف می‌کند. قانون جدید بانک مرکزی (۱۴۰۱) استقلال را ۱۶.۶ درصد افزایش داد (براساس شاخص CWN)، اما همچنان مسائل حقوقی مانند دخالت شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی (ماده ۵۹) و پیشنهادهایی برای کنترل عملا وجود دارد.

مقایسه با آمریکا: در ایران، برخلاف قانون فدرال رزرو، وام‌دهی به دولت بدون محدودیت است که به ناترازی ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی (۲۰۲۳) و تورم ۴۰+ درصد منجر شده. برای اصلاح، نیاز به قانونی شبیه ماستریخت است: ممنوعیت سلطه مالی و تضمین قضائی استقلال.

خبرخوان

۱۶۹۱ مرد بالای ۷۵ سال طلاق گرفتند

ایسنا: معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان درباره میانگین سن ازدواج گفت: «میانگین سن ازدواج در کشور در سال ۱۴۰۳ برای مردان ۲۸.۳ و برای زنان ۲۴.۱ بوده و بالاترین میانگین سن ازدواج اول در تهران و البرز بوده و در مناطق سیستان‌وبلوچستان و خراسان رضوی پایین‌تر بوده است». به گفته علیرضا رحیمی، نکته درخور توجه این است که طلاق در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ کاهشی بوده و کل طلاق‌ها در سال گذشته ۱۹۴ هزار مورد بوده است؛ درحالی‌که در سال ۱۴۰۱ این عدد ۲۰۷ هزار مورد بود. او همچنین به آماری درباره ازدواج سالمندان نیز اشاره کرد: «در سال ۱۴۰۳، دوهزارو ۲۴۹ مرد بالای ۷۵ سال ازدواج کرده‌اند. همچنین هزارو ۶۹۱ مورد طلاق در مردان بالای ۷۵ سال گزارش شده است. در زنان بالای ۷۵ سال نیز ۸۰ مورد ازدواج و ۱۲۷ نفر طلاق ثبت شده است». او در ادامه از پرداخت ۲۹۱هزارو ۸۵۸ فقره وام ازدواج به ارزش ۹۸ همت طی شش‌ماهه اول امسال خبر داد و گفت: «همچنان در پایان شهریور امسال، ۵۴۱هزارو ۲۱۵ نفر در صف انتظار وام هستند». علیرضا رحیمی ادامه داد: «آمار وام‌های ازدواج به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خوزستان، خراسان جنوبی، هرمزگان و آذربایجان غربی کمترین میزان پرداخت وام ازدواج را داشته‌اند». به گفته او، به‌طور میانگین ۴۰ درصد متقاضیان موفق به دریافت وام شده‌اند. استان‌هایی که عملکرد مطلوبی در پرداخت وام ازدواج داشتند، شامل تهران، اصفهان، مرکزی و آذربایجان شرقی هستند. او درباره بانک‌هایی که وام ازدواج پرداخت می‌کنند، گفت: «بانک‌ها براساس منابع داخلی خود، مکلف به پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه هستند و سهمیه همه بانک‌ها یکسان نیست، اما از جهت تعداد کمّی، بانک ملت و بانک ملی بیشترین صف انتظار را دارند». رحیمی درباره چالش‌های پرداخت وام ازدواج توضیح داد: «منابع بانکی و مالی در این حوزه کم و محدود است و به همین دلیل مجلس در سال گذشته نتوانست نسبت به افزایش وام ازدواج در منابع کشور آن را ترمیم کند و به همین دلیل وام ازدواج با رقم سال گذشته ماند. طبق قانون، نیاز به یک‌سری مشوق‌ها داریم، اما اینکه وام ازدواج به این شکل می‌تواند مشوق باشد یا خیر، باید کنشگران اجتماعی و رسانه‌ها آن را ارزیابی کنند که آیا پرداخت وام ازدواج، جوانان را برای ازدواج ترغیب می‌کند یا خیر؟». او در ادامه صحبت‌هایش، به آمار طلاق اشاره کرد و گفت: «میانگین سن طلاق در سال ۱۴۰۳ برای مردان ۳۹ سال و برای زنان ۳۴.۳ سال بوده است. بیشترین میانگین سن طلاق در تهران، البرز، اصفهان و گیلان و کمترین آن در سیستان‌وبلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و گلستان است».

جدول ۵۱۹۷ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- تنظیم‌کردن با درنظرداشتن حالت مطلوب- ورزشی رزمی- اندیشه ۲- اجاق کیک‌پزی- ناموارہ- انرژی ۳- مقدمات کاری را فراهم‌کردن- رودی در فرانسه ۴- ضمیری عربی- سرباز نیروی دریایی- متلاشی‌شدن ۵- زراعت- نخستین نشریه بانوان ایران- کتاب زرتشتیان ۶- افراد- بهسازی- تخم کتان ۷- روزه- توده مردم عادی- نقطه تقاطع دو ضلع زاویه ۸- چوب خوشبو- جانوری درنده از خانواده گربه‌سانان- گرو گذاشته‌شده- یادداشت ۹- پارچه‌نوشته تبلیغاتی- مبادا- رونق ۱۰- سخنوران- آیین‌ها- نوعی سیب‌زمینی ۱۱- حمله‌کردن- سفید- عقیده ۱۲- فلزی درخشان و سمی- بلند و رفیع- دارای اخلاق و رفتار خشک ۱۳- درون دهان- مدافع راست تیم فوتبال استقلال ۱۴- گفت‌وگوی بسیار برای توافق بر سر قیمت چیزی- محل فرود هواپیما- گفت‌وگوی اینترنتی ۱۵- چغندر پخته- اداره دارایی قدیم- سر و صدا

عمودی:

۱- دوستان نزدیک- نوعی شیرینی بلوری‌شکل- سر بی‌مو ۲- نافرمان- غذای خوشمزه و پرطرفدار کرمانشاهی ۳- باشخصیت- ساز موسیقی افغانستان- دل‌آزار کهنه ۴- رشته‌کوهی در مرکز اروپا- ماشین‌نویسی- کرایه‌بها ۵- ماه ششم فرنگی- پیامبر قوم ثمود- همراه ۶- فراخ- گلدسته- خواهش ۷- ماتم‌زده- دختر رستم در شاهنامه- سال آذری ۸- سود برنده- گیاهی برای درمان سرفه و گلودرد ۹- شهری در مازندران- شر به‌پاکن- قراردادی که در آن کسی با سرمایه دیگری کار می‌کند ۱۰- از مراحل زراعت- کارکشته- علامت تأیید پای نامه ۱۱- امیدواری- نزدیک‌بین- رمانی نوشته تونی موریسون ۱۲- گوشه‌نشین- منتشرکننده کتاب- دستی ۱۳- کلیدی در موسیقی- سمت چپ- ژانری سینمایی ۱۴- گروهی از جانوران بی‌مهره دریایی- مقدمه هر نوشته ۱۵- گروگذاشتن- درنگ- سازمان پیمان مرکزی

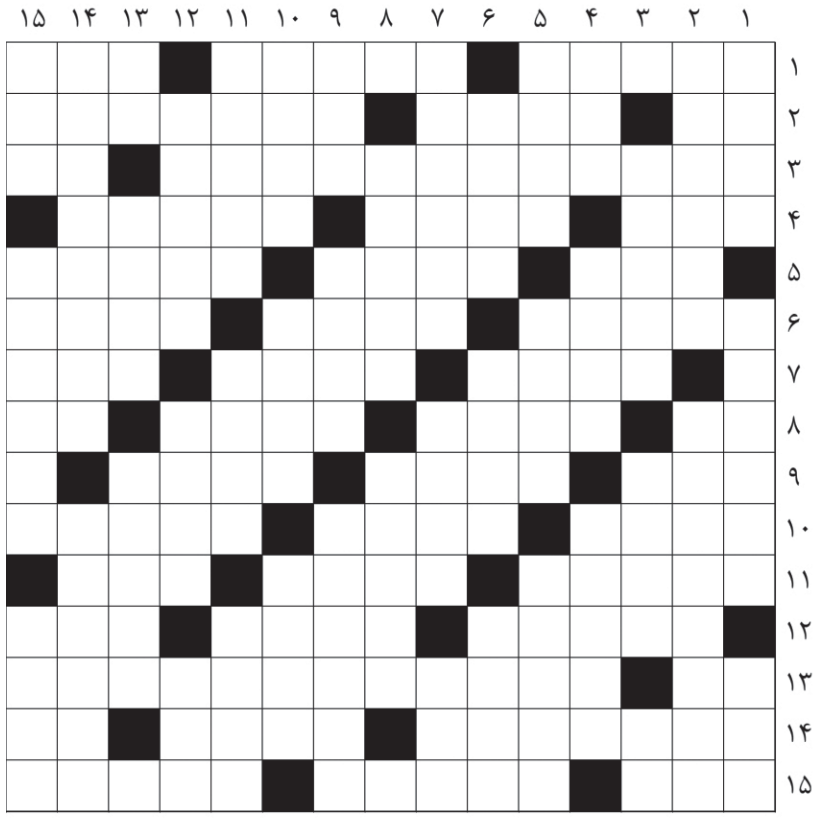

حل سودوکو ۴۱۹۲

۶	۸	۱	۳	۷	۴	۹	۲	۵
۴	۳	۹	۶	۵	۲	۷	۱	۸
۵	۲	۷	۸	۱	۹	۳	۶	۴
۲	۹	۳	۱	۸	۷	۴	۵	۶
۱	۷	۵	۴	۶	۳	۲	۸	۹
۸	۴	۶	۲	۹	۵	۱	۷	۳
۳	۶	۸	۷	۴	۱	۵	۹	۲
۹	۱	۲	۵	۳	۶	۸	۴	۷
۷	۵	۴	۹	۲	۸	۶	۳	۱

۶	۲	۸	۵	۴	۳	۹	۷	۱
۷	۴	۳	۹	۱	۸	۲	۶	۵
۵	۱	۹	۲	۷	۶	۳	۸	۴
۲	۶	۵	۴	۳	۱	۸	۹	۷
۹	۳	۷	۸	۶	۵	۱	۴	۲
۱	۸	۴	۷	۲	۹	۶	۵	۳
۳	۹	۲	۶	۵	۷	۴	۱	۸
۸	۷	۱	۳	۹	۴	۵	۲	۶
۴	۵	۶	۱	۸	۲	۷	۳	۹

حل جدول ۵۱۹۶

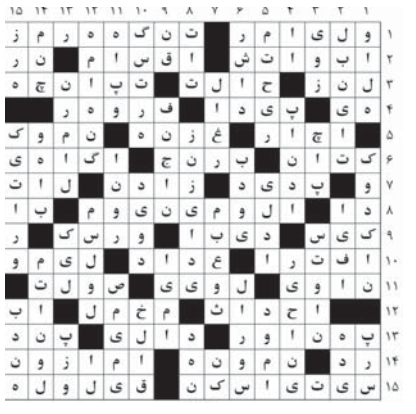

سودوکو سخت ۴۱۹۳

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۶							۵	۸
	۷			۵		۲		۶
		۲						۴
		۶	۲		۵	۸		
	۹		۸		۱		۳	
		۸	۳		۹	۶		
۹						۵		
۱		۷		۳			۸	
۸	۶							۳

سودوکو ساده ۴۱۹۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۴		۷			۸	۱		
	۶			۲		۴		۹
		۹	۶				۸	
۸		۱					۴	
		۳		۱		۸		
	۴					۷		۶
	۳				۲	۶		
۹		۲		۷			۳	
		۶	۹			۲		۸